

پرورش روح مقاومت در كودك

«تستحب عرامة الغلام في صغره ليكون حليما في كبره
: «مستحب است كودك را با سختي ها و دشواريها روبرو ساخت
تا در بزرگي بر ديار باشد» !

(امام كاظم عليه السلام)

و همه جست و خيزها و آمدورفتها و تلاش ها به سکون
و آرامش می پیوندد. آنها هم نه سکون و آرامش مطلق،
زيرا بدنيال آن ، زندگي ديگري در مرحله ديگري
باگسترش بيشترى آغازمي شود و ادامه مي يابد. پس
مادام که انسان در اين جهان زنده است جز جنب و جوش
و جستجو و تلاش چاره اي ندارد. بگفته همان اقبال :

مبارا بزم بر ساحل که آنجا
نواي زندگي آرام خيز است
بدر ياغلت و باموجش در آميز
حيات جاودان اندر ستيز است

دنيای ما دنيای تلاش و كوشش و مبارزه و ستيزه
است. ستيزه با همه عواملی که سدره ترقی و تكامل
ما هستند بگفته اقبال پاكستاني:

حديث بي خبران است با زمانه بساز
زمانه با تو نسازد تو با زمانه ستيزا
اين اشتباه بس بزرگي است كه انسان هدف
تجدد را در اين جهان، سکون و آرامش و بازنشستن
از جنب و جوش و تلاش بداند . سکون و آرامش
هنگامی فرا می رسد که انسان زندگي اين جهان
را بسر آورد. آنوقت است که هياهو ي اين زندگي

خداوند عالم نیز در يك سوره کوتاه و پر مغز قرآن پیامبر بتواند و پرتلاش خود را مخاطب قرار داده می‌فرماید:

«آیا سینه‌تورا نگشودیم و باری که پشت ترا شکسته بود از دوش تو برداشتم و نام ترا بلند نکردیم؟ بادشواری و تحمل سختیها آسانی و کامیابی است. آری بادشواری و تحمل سختیها آسانی و کامیابی است. هنگامی که از خستگیها آسودی دیگر باره با استواری هر چه بیشتر پای خیز و بسوی خدایت راغب باش» (سوره اشراح)

اصل سوره این است:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ . اَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ اَلَّذِيْ اَنْقَضَ ظَهْرَكَ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ اِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا فَاِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا فَاِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَاِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ .

یکبار دیگر سوره را بخوانید و با ترجمه‌ای که از آن کردیم تطبیق کنید. خدا به پیامبرش درس تحمل و ایستادگی در برابر باطل میدهد و راه کامیابی و غلبه بر مشکلات را به او نشان می‌دهد و فقط اجازه کمی استراحت برای تجدید قوا به او میدهد اما او را از سکون و بازنشستگی منع میکند.

درس زندگی همین است. هم برای بزرگان، هم برای کودکان البته کودکان به راهبری و هدایت بزرگها نیاز دارند.

تحمل سختیها و مشکلات هدف نیست، وسیله است اینها از آن جهت قابل تحمل و رضایت خیزند

۱- ان ابراهیم لحلیم اواه منیب (هود ۷۵)

که انسان بوسینه آنها سه نمرات شیرین وفوائد گرانیها و آرمانهای بلند نائل میگردد.

درحقیقت انسان باید برای طی مراحل کمال، بتواند بارهایی هر چه سنگینتر بردوش جان و جسم خویش تحمل کند تا به نتیجه برسد آنها که از تحمل این بارها عاجزند و جسمشان یار و حشان ضعیف و ناتوان است به جایی نمیرسند. در این زندگی درجا می‌زنند یا در نیمه راه تکامل و امانده و درمانده می‌شوند.

از این دوازش انسان به بردباری اوست. در هر ان بزرگ انسانی تنها به استقامت و بردباری ممتاز و نمونه بوده اند. قرآن که بی دلیل و بی جهت کسی را ستایش و نکوهش نمیکند ابراهیم را اینطور می‌ستاید:

ابراهیم، برتبار، نیایشگر و انا به کننده است (۱)

برخی از بزرگان، بردباری (حلم) را اینطور وصف کرده اند:

«پایداری در کارها، اعتدال در خشم و عقاومت در برابر حوادث دشوار و ناپسند. یکی از فواید آن این است که انسان در برابر حوادث سخت و وحشتناک بناله و شکوه نمی‌پردازد و در موقع مساخذه خشم نمی‌گیرد و حرکات نامنظم از او سر نمی‌زند و اظهار برتری بردیگران نمیکند و در حفظ اموری که بحکم عقل یا شرع، محافظت آنها واجب است سستی نمی‌ورزد،

سخت کوش کسی است که در وقت غضب خود را کنترل و مهار کند. (۲)

پدران و مادران و بطور کلی همه مسئولان تربیتی باید به این نکته اساسی توجه عمیق نشان دهند. باید بدانند که سرنوشت سعادت‌مندانه کودکان به پی‌ریزی صحیح زندگی آنان بستگی دارد طفلان نازپرورده، هرگز تاب و توان تحمل سختیها را ندارند. آنها چون نازشان را کشیده‌اند همه‌جا می‌خواهند به اصطلاح لوس باشند

پدران و مادرانی که در مقابل هر حادثه کوچکی که برای فرزندانشان پیش می‌آید به آه و ناله می‌نشینند و در روز بیماری طفل عزای عمومی خانوادگی اعلام میدادند و در روز مسافرت فرزند، او را با اشک و آه بدرقه می‌کنند، به گمان خود دوستی می‌کنند ولی این دوستی جاهلانه، ثمری جز ضعیف کردن روح و اراده طفل ندارد.

مقصود این نیست که ناراحت نباشند این امر، طبیعی هر بشر با عاطفه‌ای است منظور این است که بهتر نحوی هست در این موارد خود را عادی نشان دهند بدون این که بفرزندانشان وانمود کنند که به آنها بی‌علاقه‌اند و در غم و شادی آنها از آنها جدا آیند. طفل باید از همان او ان پر برکت طعقویت بار و حیه‌ای متین و استوار و قوی یار آید و آرام آرام مطابق استعداد کودکانه اش با کارها و سختیها و حوادث آشنا و با مشکلات مواجه شود مع الوصف باید مواظبش بود که بواسطه شکست یا

به هیچ وجه زندگی شرافتمندانه، بدون داشتن حلم ممکن نیست. بدست آوردن هر گونه توفیقی، چه در اخلاق و چه در کارهای دنیوی یا اخروی، از راه بردباری ممکن است.

پنجمین پیشوای مذهب ما امام باقر (ع) میفرماید: خدا دوستدار مردمی است که دارای حیاء و حلم باشند (۱)

افراد خشمگین، فرصت مطالعه و بررسی عواقب کارها را ندارند و در نتیجه در بیک حالت هیجانی و غیر عادی تصمیمی میگیرند و دست بکارهایی می‌زنند که بحال خودشان و دیگران ضرر دارد و بعدا هم پشیمان می‌شوند. اما این پشیمانی سودی ندارد و آب رفته بجوی، باز نگردد بسا خونهائی بهدر می‌رود و آبروهائی ریخته می‌شود و حقوقی پایمال می‌گردد که اگر شخص حلیم بسود و هجولانه تصمیم نمی‌گرفت، خودش و دیگران از این عواقب مصون بودند.

شخصی از رهبر عالم‌بدر اسلام نصیحت خواست، فرمود:

— خشم نگیر
دیگر باده تقاضای نصیحت کرد.

فرمود:

— خشم نگیر
سومین بار تقاضا کرد.

فرمود:

سخت کوش کسی نیست که ناگهان حمله ور شود،

۱- ان الله يحب الحي الحليم (سقیة البحار ماده حلم)

۲- لیس الشدید بالصرع انما الشدید الذی یملك نفسه عند الغضب (تحف العقول چاپ بیروت ص ۳۷)

علی (ع) در جنگ جمل بر چم را بدست فرزند جوان و تازه سال خود محمد داد و به او چنین گفت: کوه‌های سبزه و سخت از جا کنده می‌شوند و تراز جا کنده نشو. دندان‌ت را بفشار، مغز و جمجمه خود را بخدا بسپار و پسایت را همچون میخ در زمین بکوب، دورترین افراد سپاه دشمن را از نظر بگذران و دیده‌ات را فروپوش و بدان که پیروزی از جانب خدا است (۱)

آری :

فرزند خویش را به مشقت بزرگی کن
کز رحمت است هر که به راحت رسیده است
ورنه ز چشم دهر بیفتد چو طفل اشک
آن بیخرد پسر، که ترا نور دیده است
پیوسته در نیاز و نعم بساید آن پسر

کورا پدر بناز و نعم پروریده است
آسان کشد به ساحل مقصود رخت بخت
آن ناخدا که سختی دریا کشیده است
بیشو ای هفتم ما در کوه تا بهترین جمله بر مغز و
حکیمانه خود فرمود:

مستحب است کودک را با سختی‌ها و دشواریها
بار آورد تا در بزرگی بردبار باشد. (۲)

شکستهای بی‌دریغی عفریت یاس و حقارت بر وجودش چیره نگردد. حتی به او بفهمانند که شکست هم می‌تواند درسی آموزنده باشد و به انسان آگاهی و استقامت بدهد و تجربه‌ای باشد که دیگر آن اشتباهی که منجر به شکست شده است تکرار نگردد.

باید آن مورچه خرد و ضعیف را به اوشان داد که دانه‌ای به اندازه پایزرگتر از حجم خود بدنشان گرفته می‌خواهد از دیوار بلندی بالا رود و هنوز چند گامی از این مسیر مخوف طی نکرده است که سرنگونی شده بزمی افتد. اما مأیوس نمیشود. آنقدر با صبر و حوصله اینکار را تکرار میکند تا به هدف خود نائل میشود. از کجا که هر بار که سقوط میکند، درباره علت سقوط خود نیندیشد و از آن پند نگیرد؟ آیا این همه سقوط و تکرار بیهوده است؟

خیر، نه تنها برای خود او بیهوده نیست بلکه برای ما انسانها هم بیهوده نیست هم او درس می‌گیرد، هم ما. کودکان عزیزتان را با این صحنه‌ها و صدها هزار نظائر آن که در زندگی انسانهای دیروز و امروز فراوان بوده و هست، آشنا کنید و خود او را نیز همچون سربازی در حد استعداد و توانائیش به ستیز با مشکلات و دشواریها عادت دهید تا فردا عنصری بردبار و توانا باشد.



- ۱- نزول الجبال ولا تزول. عض علی تا جذك. اعرف الله جمجمتك. تد فی الارض قدمك. ارم ببصرك اقصی القوم و غرض بصرك واعلم ان النصر من عند الله (نهج البلاغه خطبه ۱۱)
- ۲- سفینه البحار ماده «علم»